

کرم شکلات

بهناز صفایی

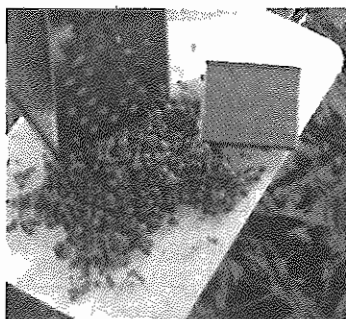


در فصل گرما، دسر کرم شکلات یکی از بهترین خوراکیها برای پذیرایی است. با کمترین خرج و آسانترین شیوه، کرم شکلات زیبا و خوشمزه‌ای تهیه می‌شود.

کرم شکلات

♦ مواد مورد نیاز:

شیر	نیم لیتر
شکلات	۱۰۰ گرم
نشاسته	۴۰ گرم
شکر	۸۰ گرم
نسکافه	چهار قاشق چایخوری
خامه	یک چهارم لیتر



تصویر یک

طرز تهیه:

- ۱- شکلات را رنده می‌کنیم و کنار می‌گذاریم (تصویر یک). پنج قاشق غذاخوری شیر سرد را در ظرفی می‌ریزیم و نشاسته را کاملاً در آن حل می‌کنیم.
- ۲- باقی مانده شیر را در یک ظرف با حرارت ملایم داغ می‌کنیم. شکر، نسکافه و نصف شکلات رنده شده را به آن اضافه می‌کنیم. مایع را آرام آرام هم می‌زنیم تا مواد درون آن کاملاً حل شود. (تصویر دو)

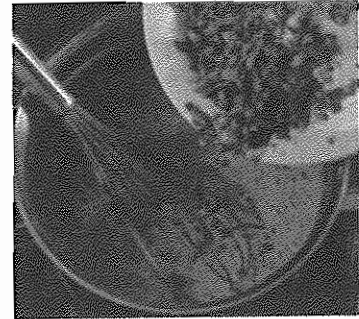
پختن آبلالو

در این روزهای گرم، شما حداقل روزی دوبار با تقاضای بستنی از سوی بچه‌ها مواجهید. از سوی دیگر مرتب از طریق رسانه‌ها پیام احتمال آلوده بودن بستنیهای موجود در بازار را دریافت می‌کنید. پس آستین بالا بزنید و درست کردن بستنی را یاد بگیرید. بچه‌ها و حتی بزرگترها حتماً بستنی محصول دست شما را بیشتر از بستنیهای بازار خواهند پسندید. ■

بستنی ایتالیایی با سس آبلالو

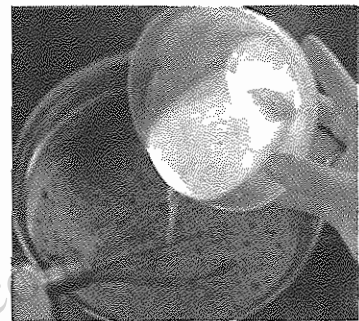
مواد مورد نیاز:

کمپوت	۱۵۰ گرم
لیموترش تازه	یک عدد
وانیل	یکدوم قاشق چایخوری
خلال بادام	کمی
تخم مرغ	دو عدد
شکر	چهار قاشق غذاخوری
شیر	یک چهارم بطری



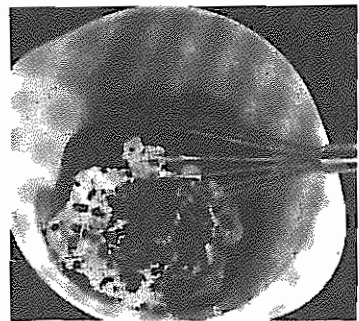
تصویر دو

۳ - پس از آن که مواد بالا کاملاً در شیر حل شد، مخلوط نشاسته و شیر را همزمان با هم به آن اضافه می‌کنیم. باید کاملاً مراقب باشید که مایه ته نگیرد. (تصویر سه)



تصویر سه

۴ - پس از آن که همه مواد کاملاً در شیر حل شد، مایه را درون ظرف دیگری بریزید و بگذارید خنک شود. در حینی که خنک می‌شود باز هم آن را هم بزنید که فقط روی آن نیندد و در ضمن زودتر هم خنک شود.



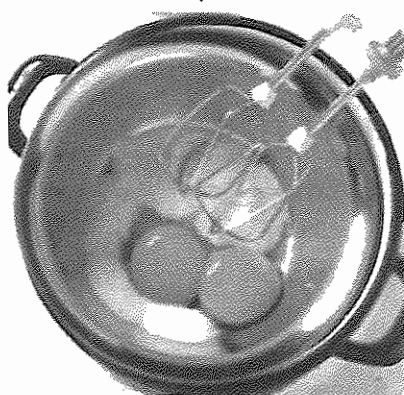
تصویر چهار

۵ - خامه را با همزن دستی خوب بزنید و همراه باقی مانده شکلات رنده شده، داخل مایه‌ای که آماده کرده‌اید بریزید و با همزن دستی خوب بزنید. (تصویر چهار)

۶ - آن گاه مایه را داخل ظرفهای مورد نظرتان بریزید. روی آنها را با کاغذ آلومینومی بپوشانید تا رویه نیندد و به مدت یک ساعت در یخچال بگذارید. سپس آن را از یخچال درآورد و طبق سلیقه خودتان، رویش را با خامه و اندکی رنده شکلات تزئین کنید.



۲ - بقیه شیر را به مایه اضافه می‌کنیم و دوباره به هم می‌زنیم تا خوب غلیظ شود. سپس مایه را داخل ظرف مناسبی می‌ریزیم و در فریزر می‌گذاریم. (تصویر دو)



طرز تهیه:

۱ - زرده تخم مرغها و دو قاشق شکر را در یک کاسه می‌ریزیم و با همزن برقی یا چنگال خوب به هم می‌زنیم. در یک قابلمه آب روی گاز می‌گذاریم تا آب آن جوش بیاید. سپس کاسه را درون آب جوش قرار می‌دهیم و مایه داخل آن را مرتب به هم می‌زنیم تا مایه کاملاً سفید و شکر کاملاً حل شود. (تصویر یک)



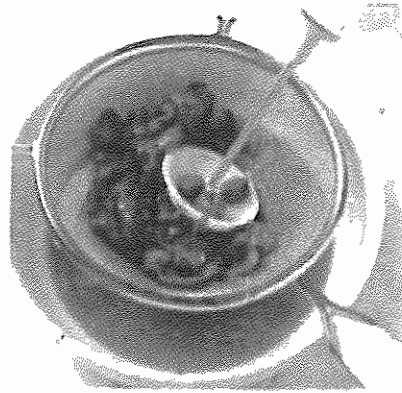


www.iran-archive.com



۵ - مخلوط را از صافی رد می‌کنیم تا فقط شهد آن باقی بماند. (تصویر پنجم)
۶ - بستنی را با قاشق گرد داخل ظرفهای مناسب می‌گذاریم. سس را روی آن یا کنار آن می‌ریزیم و با مقداری خلال بادام آن را تزیین می‌کنیم.

بستنی ایتالیایی اکنون آماده پذیرایی است.



۴ - کمپوت آلبالو را در صافی می‌ریزیم تا آب آن برود. بعد آن را در ظرف می‌ریزیم و دو قاشق شکر روی آن ریخته، آب لیموترش، وانیل و دو قاشق غذاخوری آب داخل آن می‌ریزیم و مخلوط را به مدت ده دقیقه با حرارت کم می‌جوشانیم تا به صورت شهد غلیظی در آید. (تصویر چهارم)



۳ - از همان ابتدا که مایه را درون فریزر می‌گذاریم هر ده دقیقه یکبار آن را هم می‌زنیم تا یخ نبندد و مانند بستنی کش بیاید (تصویر سه)

گل آرای زیستی

گلدانی ساده و کوچک برای خانه

محبوبه شهناز

همانطور که در شماره‌های پیشین اشاره شد، با کمترین هزینه می‌توان منظره‌ای از طبیعت را به خانه آورد. مثلاً از گلدانهای ساده و بدون نقش، به ویژه گلدانهای گلی، می‌توان بهترین استفاده را کرد.

برای یادگیری گل‌آرای زیستی از ابتدا از تزئین گلدانهای ساده و کوچک شروع کردیم که شامل چهار سبک است. سبک (الف) و (ب) را قبلاً گفتیم. اینک سبک (ج):

موارد مورد نیاز:

- ۱- یک ظرف و یا گلدان کوچک مسطح که به مقدار کافی گنجایش آب داشته باشد. (حداقل چهار سانتیمتر عمق داشته باشد).
- ۲- کنزا
- ۳- قیچی باغبانی
- ۴- دو شاخه گل. توجه داشته باشید که اگر از گل مرکب مانند شببو، میمون، گلایل یا لیلیوم استفاده کنید، یک شاخه کافی

است و از این شاخه می‌توان به جای سه شاخه استفاده کرد.

۵- سه شاخه تزئینی مطابق ذوق و سلیقه خودتان

طرز آرایش گلدان

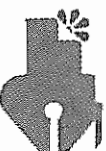
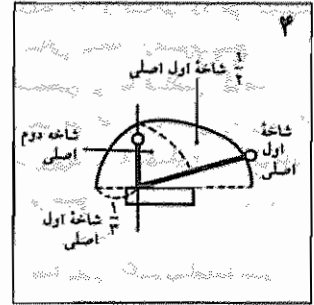
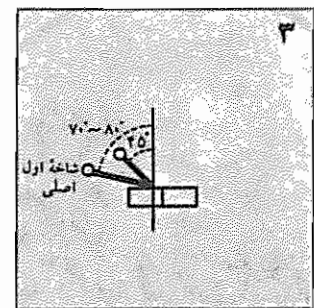
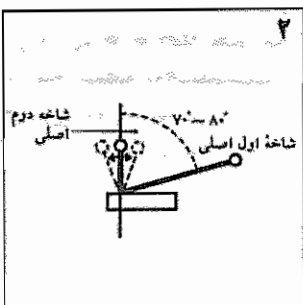
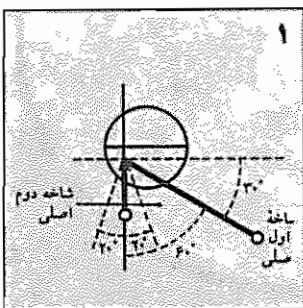
ابتدا کنزا را در یک گوشه ظرف (راست یا چپ) می‌گذاریم و اولین شاخه گل را که باید بلندتر از بقیه و یک برابرونیم قطر یا درازای ظرف باشد، انتخاب می‌کنیم. این گل، شاخه اول اصلی (Subject) است و طوری روی کنزا قرار می‌گیرد که حداقل ۷۰ تا ۸۰ درجه به طرف پایین افق و ۳۰ درجه به طرف راست (اگر کنزا مانند طرح سه در سمت چپ ظرف باشد) متمایل باشد ولی به هر حال سر شاخه رو به بالا قرار گیرد.

دومین شاخه که شاخه دوم اصلی (Object) است و طول آن یک‌سوم شاخه اول می‌باشد، انتخاب می‌کنیم و در سمت چپ شاخه اولی طوری قرار می‌دهیم که در حدود ۴۵ درجه به طرف جلو (طرح سه) و

۲۰ درجه به طرف راست یا چپ (طرح یک)، مطابق با سمتی که کنزا قرار دارد، متمایل شود. بدین ترتیب کار اساسی این گلدان انجام شده است. حال برای آرایش آن از شاخه‌های فرعی (Fillers) کمک می‌گیریم.

اولین شاخه فرعی را باید از جنس گل اصلی و کوتاهتر از آن انتخاب کنیم و آن را طوری روی کنزا قرار دهیم که سر آن متمایل به وسط ظرف باشد. دومین شاخه تزئینی که از جنس شاخه دوم اصلی است بین دو شاخه اصلی و کوتاهتر از شاخه دومی و در سمت چپ آن قرار می‌گیرد و قدری متمایل به جلو می‌باشد.

بدین ترتیب گلدان شما برای قرار دادن در گوشه‌ای مناسب آماده است. ضمناً اگر باز هم نیازی به گل اضافی احساس کردید، می‌توانید از برگ و شاخه‌های دیگر نیز استفاده کنید به شرط آن که هیچ یک از شاخه‌ها و گلها بیش از یک‌سوم شاخه اول اصلی نباشد و از محیط ظرف بیرون نیاید.



تحول در مینیاتور

پای صحبت سودابه بهارلو

فیروزه شریفی



کمال‌الملک با دیدن تابلوها متعجب می‌شود و می‌پرسد که نقاشیهای ایرانی آنجا چه می‌کنند؟ به او پاسخ می‌دهند که رامبراند از نقاشیهای ایرانی الهام گرفته است.»

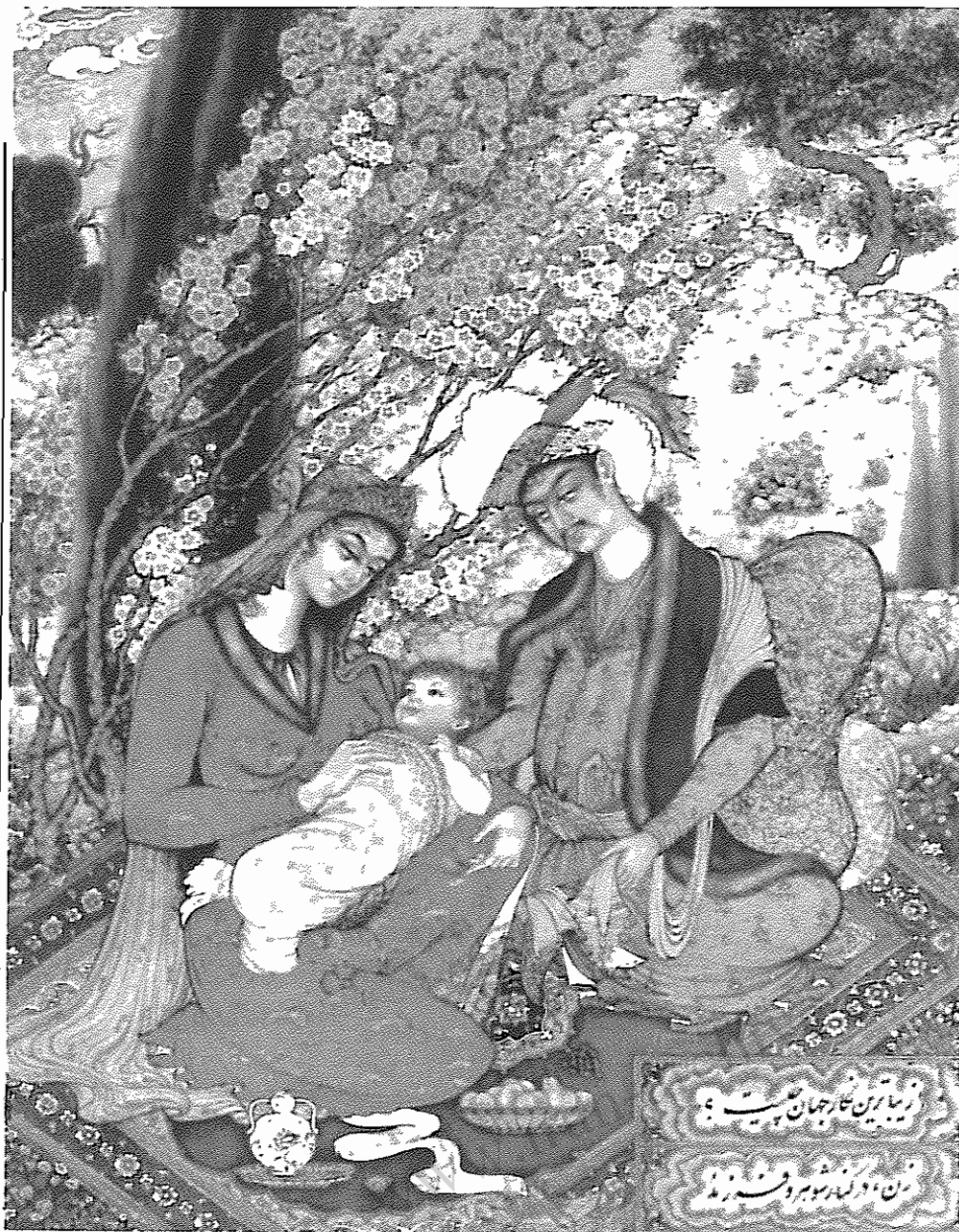
«سودابه بهارلو» این نکته را بهترین پاسخ به آنهایی می‌داند که هنر غرب را برتر می‌دانند، آن هم تحت شرایطی که خود غرب از شرق متأثر بوده است.

بهارلو شاگرد «استاد مطیع»، پس از سالها نقاشی و گذراندن دوره شش ساله تعلیم نزد استاد، در سال ۶۷ موفق به اخذ مدرک استادی در رشته مینیاتور و تذهیب می‌شود و از همان سال در هنرستان کمال‌الملک و مرکز هنرهای تجسمی تدریس مینیاتور را آغاز می‌کند و در آتلیه شخصی خود شاگردان زیادی را به تعلیم می‌گیرد. او در نمایشگاههای متعددی شرکت کرده است و آثارش اخیراً در بیروت و سوریه نیز به نمایش گذاشته شده است. ❁

نقش می‌آفریند آن زمان که می‌اندیشد، قلم به دست می‌گیرد و به رنگ می‌زند. هر چه بیشتر دقت کنی بیشتر می‌بینی. گویی در هر قدم دریچه‌ای تازه به رویت می‌گشایند و به دنیایی تازه می‌روی. با خودش که صحبت کنی می‌گوید: «این، از ویژگیهای مینیاتور ایران است.» مینیاتور، این هنر اصیل ایرانی آنقدر ظرافت و دقت طلیده است که به حق می‌توان گفت:

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم
کاینهمه نقش عجب در گردش پرگار داشت

سالها شاگردی کرده است و امروز استاد است. استادانش را ارج می‌گذارد و از آنها، نکته‌ها نقل می‌کند. وقتی از نقاشی ایرانی سخن به میان می‌آید، از کمال‌الملک نقل قول می‌کند: «وقتی کمال‌الملک به ایتالیا سفر می‌کند به منزل رامبراند می‌رود، اتاقی را نشان می‌دهند که پر از نقاشیهای ایرانی است.



● با او درباره مینیاتور صحبت می‌کنیم:

○ مینیاتور به معنی «کوچک» واژه‌ای است که ابتدا جهانگردان اروپایی و بعد خاورشناسان در قرن ۱۹ استفاده کردند و بعد در زبان فارسی نیز مصطلح شد. در حقیقت هر چیز کوچک را «مینیاتوری» می‌گویند و نقاشی قدیم ایران را که در زبان فارسی صورتگیری و... می‌گفته‌اند، به دلیل ظرافت «مینیاتور» نام گذاشتند. گرچه نقاشی ایران منحصر به تصاویر ریز نقش نبوده است اما به غلط مینیاتور را به طور کلی به نقاشی قدیمی ایران اطلاق کردند.

● غیر از ظرافت، ویژگی دیگر نقاشی ایرانی چیست؟

○ نقاشی ایران با ادبیات ارتباط زیادی دارد. نقاش ایرانی از شعر و داستان زیاد الهام می‌گیرد و این ویژگی عمده نقاشی ایران است. در حقیقت نقاشی در کنار سخنوری رشد می‌کند و همراه با آن دستخوش تغییرات می‌شود. یعنی زمانی که ادبیات فارسی از مسیر خود منحرف می‌شود نقاشی نیز دچار تغییراتی می‌شود.

● چه عاملی نقاشی را با ادبیات تا این حد مرتبط کرده است؟

○ شاید به این دلیل که شاعر، نویسنده و نقاش ایرانی، با یک دید و یک نظر به جهان باقی نگاه کرده‌اند و هدف هر دو، یکی بوده است. هدف چیزی جز رسیدن به حقیقت و خالق نبوده است. آنها در این راه زیبایی‌ها را دیده‌اند و به کار گرفته‌اند. همانطور که شعر دارای وزن و قافیه است نقاشی نیز به نوعی دیگر دارای وزن و قافیه است. شاعر با واژه‌ها می‌گوید و نقاش با رنگ.

● یعنی رنگ در نقاشی، واژه است در شعر؟

○ رنگ واژه نیست اما معنی خاص آن شعر با کار مورد نظر را می‌دهد. مثلاً رنگها در تابلوی مجلس رزم یا مجلس بزم متفاوت می‌شود. در یک تابلوی بزم رنگها همه روشن و شاد است و در یک مجلس رزم به عکس. رنگهای مینیاتور اغلب لطیف است و رنگهای خیلی لطیف برای «زن»،

عنوان مینیاتور نام می‌بریم چقدر قدمت دارد؟

○ مینیاتورهای حاضر که ما آنها را به نام «هنر مغولی» می‌نامیم از عصر مغول به جای مانده است. در سبکهای مختلف آوایل دوره مغول عناصری دیده می‌شود که به تدریج و به فاصله یک قرن، مینیاتورسازی مشهور ایران را به وجود آورده است و سبکهای خارجی به تدریج تغییر یافته و سبکی به وجود آمده که کاملاً ایرانی است. «تیمور لنگ» بعد از فتح و ویرانی شهرهای ایران، صنعتگران و هنرمندان را جمع می‌کند و به سمرقند، پایتخت خود، می‌برد. در این شهر مخصوصاً در زمان جانشینان او در هرات، مینیاتورسازی به منتهی درجه ترقی خود می‌رسد. بعد از او پسرش «شاهرخ» و بعد از شاهرخ پسرش «بایسنقر»، بیش از پدر، مشوق و

مخصوصاً «زن شاد» استفاده می‌شود. هرچه زن جوانتر باشد، رنگها لطیفتر است. در مورد مردان، استفاده از رنگ کاملاً برعکس می‌شود. در این حالت رنگهای تیره استفاده می‌شود؛ هرچه پیرتر، رنگها تیره‌تر. در مورد دشت، کوه، غار و سنگلاخ نیز همینطور؛ برای هر یک رنگ خاصی استفاده می‌شود. در فصل بهار برای نشان دادن گل و شکوفه، رنگها لطیف و شاد است اما برای نشان دادن یک درخت چنار کهنه، رنگ تیره می‌شود. اگر رنگها جابجا استفاده شود، مثلاً لباس یک پیرمرد تکیده با رنگ زرد کار شود، کار پخته و خوب نخواهد شد. گلها نیز در مینیاتور از مفهوم خاصی برخوردار هستند یعنی گل پژمرده با یک گل جوان کاملاً متفاوت است.

● آنچه امروز از آن تحت

حامی هنرمندان و صنعتگران می‌شود و کتابخانه بزرگی در هرات به نام «فرهنگستان صنعت» ایجاد می‌کند که چهل نفر از بزرگترین نقاشان و خوشنویسان و صحافان را جمع کرده و عصر طلایی مینیاتورسازی ایران به نام «مکتب هرات» ظاهر می‌شود. بعد از شاهرخ و بایسنقر، سلطان حسین «بایقرا» و وزیر معروفش، «میرعلی شیر»، شاعر نامی، مشوق و حامی صنعت بودند به گونه‌ای که بزرگترین نقاشان در آن زمان، از جمله «کمال‌الدین بهزاد»، در دربار او زندگی می‌کردند. از شاگردان بهزاد، استاد بزرگ «آقاسیرک» و «شیخ زاده خراسانی» را می‌توان نام برد. «بهزاد» که اعجوبه زمان و استاد هنر نام گرفت، سبک جدیدی «در مینیاتورسازی ایجاد کرد و صنعت را در کلیه جنبیبات به منتهی درجه کمال رساند. در زمان شاه «اسماعیل



صفوی» و بعد شاه «طهماسب» که بهزاد نقاش دربار بود، مکتب هرات همچنان ادامه داشت اما نه به ریزی عصر مغول بلکه کمی درشت‌تر. از معروفترین مجموعه‌های نقاشی مینیاتور ایران، نسخهٔ مصور «خمس نظامی» است که اکنون در موزهٔ بریتانیاست. این کتاب به وسیلهٔ نقاشان مشهور دربار، برای شاه «طهماسب صفوی» تهیه شد که نام «آقاسیرک»، «سلطان محمد»، «میرزا علی»، «مولانا مظفر علی» و «میرسیدعلی» معروفترین نقاشان آن دوره در زیر مینیاتورها ثبت شده است.

● مینیاتور هرات در مقایسه با مینیاتور مغولی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

○ در مینیاتور هرات برخلاف مینیاتور مغولی، نرمی و لطافت بیشتری احساس می‌شود. شخصیتها در این دوره به مراتب طبیعت‌تر هستند و نقاشان تمایل زیادی به داستانهای ایران باستان نشان داده‌اند. رنگها نیز از تنوع بیشتری برخوردار شده‌اند، ضمن اینکه در آمیزش رنگها تناسب نیز کاملاً مشهود است. نقاشی در دورهٔ صفوی یک حالت کاملاً ایرانی دارد. نقاشی این دوره فاقد سایه است. یعنی همه چیز، چه در روز و چه در شب، زیر نور یک دستی دیده می‌شود. در این دوره پرسپکتیو (دورنما) وجود ندارد. آنچه در جلو وجود دارد، به اندازهٔ چیزی است که در پشت قرار گرفته است. در این دوره نقاشی «پرتره» مرسوم می‌شود که باعث می‌شود صفحات مصور کم‌کم از شلوغی سابق خارج شود.

● غیر از هرات و مغول چه سبک‌هایی در مینیاتور وجود دارد؟

○ غیر از هرات و مغول، مکتب تبریز، قزوین، شیراز، اصفهان و بخارا از سبک‌های مهم مینیاتور به شمار می‌روند. مکاتب نامبرده همگی تحت تأثیر شرایط اقلیمی و زمان منطقهٔ خود، ویژگی‌هایی به مینیاتور داده‌اند که به نام همان منطقه شهرت پیدا کرده‌اند. مثلاً مکتب اصفهان نزدیک به آداب و رسوم اصفهانی است. شیراز، قزوین و...

● در کارتان پیرو کدامیک از مکاتب هستید؟
○ مکتب هرات.

● چرا؟

○ به نظر من مکتب هرات یکی از زیباترین و پرمعناترین مکتب‌های مینیاتور است. گرچه خیلیها در آن دخل و تصرف کرده‌اند، هنوز زیبا و با اصالت مانده است.

● بعضیها معتقدند مینیاتور یک نقاشی قدیمی است و دیگر کاربرد ندارد نظر شما چیست؟

○ مینیاتور تنها نقاشی اصیل ایرانی است که منحصر به فرد است و متعلق به ما ایرانیهاست. در حقیقت مینیاتور ثروتی است برای ما و کشور ما باید قدرش را دانست. قدیمی بودن مینیاتور دلیلی برای بی‌ارزش شدن آن نیست. به عکس، قدمتش حکایت از اصالت و ارزش آن می‌کند. در دنیا آنچه قدیمی است و اصالت دارد، باارزش است و حفظ می‌شود. آیا صحیح است تحت شرایطی که دنیا، نقاشی ما را دوست دارد و به آن بها می‌دهد، ما خودمان آن را بی‌ارزش کنیم. وقتی یک اروپایی به ایران می‌آید، به دنبال اصالت‌های ایرانی می‌گردد؛ به دنبال فرش ایران، نقاشی ایران، صنایع دستی ایران. ما با وجود این آثار هویت پیدا می‌کنیم.

● بعضی از نقاشان مینیاتور با تغییراتی در قواعد طراحی مینیاتور، مثل شکستن کادر و خارج از کادر کار کردن، معتقدند که تحول جدیدی در مینیاتور به وجود آورده‌اند. نظر شما چیست؟

○ ببینید من در مکتب خود سعی کردم ایده‌های جدید داشته باشم. در مینیاتور می‌شود به سبک و سلیقهٔ امروز کار کرد و حوادث امروزی را نشان داد اما باید در نظر داشت که مینیاتورداری اصالتی است که نباید در نوآوری از دست برود. کارهایی مثل شکستن کادر و خارج از کادر رفتن، نوآوری نیست. بعضی از کارها شاید در حد یک کاردستی باشد تا نوآوری. می‌بینم کارهایی را که کسی کرده‌اند خارج از کادر برده‌اند و بلای بی‌سر مینیاتور آورده‌اند که جای تأسف دارد. البته جا دارد از استادانی مثل «استاد فرش‌چیان» که صاحب سبک و سلیقه‌ای قابل تحسین شده‌اند، نام برد اما مواردی هم وجود دارد که جز تأسف احساس دیگری را حداقل در بین کسانی که حرفه‌ای کار می‌کنند،

بر نمی‌انگیزد.

● صحبت از ایده‌های جدید در کارهایتان شد. بفرمایید ایده‌ها را در کار چگونه به کار گرفته‌اید؟

○ در حال حاضر طرح‌هایی دارم که برای سال آینده آماده خواهند شد و ترجیح می‌دهم امروز دربارهٔ آنها صحبت نکنم اما کسانی که کار را با دید فنی دیده‌اند، معتقدند تحول جدیدی در مینیاتور به وجود آمده است. کارها جدید است و با کارهای قبلی کاملاً متفاوت. اما موردی را که به عنوان یک پدیدهٔ نو در مینیاتور به کار گرفته‌ام و می‌توانم برای شما بگویم طرحی است با نام «زن چیست»، که در این طرح برای اولین مرتبه «بچه» وارد مینیاتور شده است. چون تا پیش از این کار تقریباً بچه در مینیاتور ایران وجود نداشت و این یک پدیدهٔ تازه محسوب می‌شود.

● اخیراً سفری به بیروت و سوریه داشته‌اید. لطفاً از سفرتان بگویید؟

○ در بهمن ماه گذشته، به دعوت دولت بیروت و سوریه، با هماهنگی وزارت ارشاد، نمایشگاهی از آثار نقاشان ایرانی برگزار شد که به اتفاق خانمی دیگر در آن شرکت کردم. این نمایشگاه به منظور آشنایی هنرمندان بیروت و سوریه با هنرمندان زن ایرانی بود.

● نتیجهٔ سفر چه بود؟

○ بسیار خوب. زمانی که به بیروت و سوریه رفتم، بازدیدکنندگان ابتدا از دیدن ما بسیار تعجب کردند. وقتی کارها را می‌دیدند، می‌گفتند کپی است، عکس است، عکس‌های قدیمی را در قاب کرده‌اند به اینجا آورده‌اند. برای آنها اصلاً قابل تصور نبود که زن ایرانی غیر از محیط خانه، فعالیت دیگری هم داشته باشد و این نمایشگاه باعث شد تا مردم بیروت و سوریه با واقعگرایی بیشتری راجع به ایران، هنر ایرانی و زن ایرانی برخورد کنند.

● در پایان سفر، برخوردشان چگونه بود؟

○ همان‌طور که گفتم ابتدا برخوردها بوی نابوری و تعجب داشت اما با حوصله‌ای که به خرج دادیم و توضیحی که دربارهٔ تک تک تابلوها داده شد، آرام آرام با ما

➤ نقاشی ایران با

ادبیات ارتباط زیادی دارد. نقاش ایرانی از شعر و داستان زیاد الهام می‌گیرد و این ویژگی عمدهٔ نقاشی ایران است.

➤ بازدیدکنندگان در

نمایشگاه بیروت و سوریه اصلاً تصور نمی‌کردند که زن ایرانی بتواند خارج از محیط خانه، فعالیت دیگری هم داشته باشد.



➤ رنگهای مینیاتور

اغلب لطیف است. رنگهای خیلی لطیف برای «زن» مخصوصاً «زن شاد» استفاده می‌شود و هر چه زن جوانتر باشد، رنگها لطیفتر است.

➤ در مینیاتور

می‌شود به سبک و سلیقهٔ امروز کار کرد و حوادث امروزی را نشان داد اما باید در نظر داشت که مینیاتور دارای اصالتی است که نباید در نوآوری از دست برود.





دوست شدند و باورمان کردند. با هنرمندان زیادی آشنا شدیم فرزندان شهدای لبنان به دیدنمان آمدند و اطلاعاتی درباره چگونگی تدریس نقاشی و مینیاتور در ایران گرفتند. ما را به محافل هنری دعوت کردند. با استادان دانشگاه آشنا شدیم. با خبرنگاران گفت‌وگو کردیم. شاید آنقدر تأثیر داشتیم که بهترین زن هنرمند بیروت در مقابل یکی از کارها ایستاد و با صدای بلند گریست. وقتی علت را جویا شدم پاسخ داد: «تا امروز فکر می‌کردم نقاشم و امروز فهمیدم که من هیچی نیستم».

● هنرمندان زن آنجا را در مقایسه با ایران چگونه دیدید؟
○ در بیروت با چند هنرمند زن برخورد داشتیم اما در سوریه اصلاً هنرمند زن نبود.

● در نمایشگاه چند تابلو داشتید؟
○ حدوداً ۳۰ کار با خود برده بودم که مجموعه‌ای بود از مینیاتور، رنگ روغن و قلم زنی.

● رنگ روغن هم کار کردید؟
○ سالها پیش از مینیاتور، رنگ روغن کار کرده بودم.

● چند سال است نقاشی می‌کنید؟
○ ۳۰ سال است. نقاشی را از ۱۲ سالگی شروع کردم. به خوبی به یاد دارم که اولین کارم را یک خارجی حدود سی هزار تومان خرید و از آن به بعد خارجیها برایم سفارش آوردند و کار کردم.

● تا امروز چند تابلو کار کرده‌اید؟
○ اگر تابلوهای رنگ و روغن را حساب نکنم، چون دقیقاً نمی‌دانم، حدود ۱۳ تابلو مینیاتور کار کرده‌ام، به اضافه ۲۰ طرحی که در حال حاضر دارم.

● کارها چقدر طول کشیده است؟
○ بستگی داشته. شش ماه، شاید هم بیشتر. مثلاً کاری از «لیلی و مجنون» دارم که تا حالا فقط شش ماه است که روی خود شعر کار می‌کنم تا قسمتهای مناسب را برای به تصویر کشیدن شعر پیدا کنم. اغلب اوقات شبها بیدار مانده‌ام تا کار را به جایی برسانم.

● خسته نشده‌اید؟
○ خسته می‌شوم اما نقاشی را دوست دارم. شاید ساعتها پای کار

نسته‌ام و از اطرافم بی‌خبر مانده‌ام اگر غذایی هم روی اجاق داشته‌ام به کلی از خاطرم رفته است.

● فکر می‌کنید که یک نقاش خوب می‌تواند یک همسر خوب باشد؟

○ نقاش خوب بودن در کنار همسر خوب بودن، کار را بسیار مشکل می‌کند. البته این نیست که نشود. می‌شود اما سخت است. سخت از این نظر که در هر دو برای خوب بودن به زمان نیاز داری و این زمان محدود است. روز کار کردن، عصر کار کردن و شب موقع استراحت باز هم کار کردن دیگر رمت نمی‌گذارد، حالا خودتشان حساب کنید.

● فرزند دارید؟
○ سه پسر و یک دختر.

● آنها هم به نقاشی علاقه دارند؟

○ دخترم با تمام مشکلاتی که در راه مادرش بود و دیده است، راه خودش را انتخاب کرده است. ۱۷ سال دارد و حدوداً یک سال است که نقاشی را خیلی جدی نزد استاد «خرمی نژاده» آغاز کرده است. به آینده او امیدوارم.

● موقعیت مینیاتور را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟

○ متأسفانه در حال حاضر آن طور که باید و شاید به این هنر توجه نمی‌شود. هنرمند را ارج نمی‌گذارند. اگر وضع به این منوال پیش رود و هنرمندان قدیمی از صحنه خارج شوند، مینیاتور صدمه خواهد دید. شاگردان من اغلب از دانشجویان دانشگاه هستم و متأسفانه ابتدایی‌ترین مسایل و اطلاعات را در رابطه با کار نمی‌دانند. حتی طرز قلم گرفتن را هم بلد نیستند. گاهی اوقات سؤالاتی می‌کنند که بسیار متعجب می‌شوم مثلاً اینکه رنگ سفید را چگونه باید استفاده کرد. می‌گویند استادان دانشگاه برای دادن این اطلاعات خیلی وقت نمی‌گذارند و این بی‌توجهی نسبت به دانشجویان بسیار حیا است. از هرکدام از این دانشجویان، می‌شود استاد ساخت و آینده را تامین کرد اما به این ترتیب کمتر می‌شود امیدوار بود. مخصوصاً وقتی دیده می‌شود که بعضی افراد از موقعیتهایی سوءاستفاده می‌کنند و کارهای کپی را در خارج به نمایش می‌گذارند و هنر را به ابزئال می‌کشاند.



معرفی کتاب

مکاشفه حوا

حجازی، خاطره
تهران
انتشارات روشنگران
۱۳۷۱
۵۵ صفحه
۸۰۰ ریال

این دفتر شامل ۳۱ قطعه شعر است و با طرح مجید روشن بر روی جلد در دوهزار نسخه چاپ شده است. برخی از عناوین این مجموعه عبارت است از: پاهای تو را می‌جوئد، مدال بزرگ، از چشم ایرانی، راه گردان، سبب سرزمین من و...
حجازی ۱۷ قطعه از اشعار خود را در این مجموعه، مکاشفه نامیده است. «مکاشفه ۱۳» چنین است:

کلاغها خواندند،
خورشید دیدم،
ظهر هم رسید.
اما من...
پشت پنجره سترون،
در انتظار روزم.
نمی‌آیی؟

اندوه زن بودن

حجازی، خاطره
تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۸۳ صفحه
۵۰۰ ریال

این دفتر شامل ۱۵ قطعه شعر است و با طرح روی جلد هامون در سه هزار نسخه به چاپ رسیده است. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: چه خوشبختی تو!، نمی‌خواهم به مرگ بیندیشم، به دنبال یک زندگی نرم، ترکه‌های ترد و...
فسمتی از یکی از اشعار این دفتر چنین است:

ولی در زندگی لحظه‌ای هست
که مثل مرگ می‌آدم را می‌گیرد
و پلک ظفره به کاری نمی‌آید.
- باید دید. -
ماهی می‌داند

که در دام تضاد
تنها خودش را زخمی می‌کند؛
با این همه، سرشت ناباوری،
تقلات.

«اندوه زن بودن» نام یکی از اشعار این دفتر است که شاعر به جلال آل‌احمد تقدیم کرده است. در صفحه آغازین کتاب این قطعه به نقل از آل‌احمد آمده است:
«... دور و برت را بیا، پراست از غم. غم جوان بودن. غم نان. غم از دست رفته‌ها. غم آینده. غم عمرهای تلف شده. غم آرزوهای بریاد رفته. غم زن بودن. غم بی‌کارتگی، غم تنهایی... و غم بزرگتری که غم بود و نبود است...»

برگ و باد

افروز، افسانه
تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۷۲ صفحه
۱۰۰۰ ریال

این دفتر شعر شامل ۳۰ قطعه شعر است. طرح روی جلد آن از ضیا، کیوان است و در دو هزار نسخه به چاپ رسیده است. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: برگلوی صاف آسمان، سیاره تو، پیش از این، وصله، جز شب، فریب و...
فسمتی از شعر از برگ تا آتش چنین است:

تا سرود آشنایی را بیندیشد
شاخه‌ای خم شد
با نوار پیچک پوسیده‌ای به تن
لابلای برگهای سرخ
«برگ برگم را به آتش هدیه خواهم کرد
رنگ رنگ گرمشان را
در حریق روشن پاییز خواهم سوخت.

یک روز دیگر

و جدی، شاداب

تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۱۳۰ صفحه
۱۲۰۰ ریال

این دفتر شامل ۵۸ قطعه شعر است و بیشتر آنها سبنا بلند است. کتاب با طرح ضیا، کیوان بر روی جلد، در سه هزار نسخه به چاپ رسیده است. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: حتی، در حاشیه شعر فروغ، دریافت، شبدرهای عشق، صدای باران، و...
فسمتی از شعر «یک روز دیگر» در این دفتر چنین است:

اینگ،
برگی دگر در باد.
در را به روی شهر می‌بندم.
در را به روی شب
که می‌آید به سوی کوزه‌ها آرام.
آنگاه

در خالی خلوت،
به لحظه‌های خرد گشته
زیر آوار ندامتهای سنگین
خیره می‌مانم.

حرفی برای

هیچکس
حمیدی، مهناز
تهران
روشنگران
۷۸ صفحه
۱۰۰۰ ریال

این دفتر شامل ۴۹ قطعه شعر است و با طرح آبدین آغداشلو بر روی جلد در دوهزار نسخه به چاپ رسیده است. بیشتر این قطعات کوتاه است و مجموعه کارهای شاعر را از سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۸ در برمی‌گیرد. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: تنهایی، جنگل جنگل است، بل، آنتی‌گونه، مادران قهرمان، می‌آیم چون یک شبح، آسمان، بر آب و...
اولین شعر این دفتر چنین است:

گیس تنهایی را
می‌بانم
می‌بانم

و شب همینطور در من قد می‌کشد
قد می‌کشد
در هزار آینه ویران
گیس تنهایی را
می‌بانم من با درد
و گره‌ای می‌زنم بر انتهایش
کور کور

داستانهای شرقی

یورسنار، مارگریت
ترجمه لیلیا ارجمند
تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۱۳۱ صفحه
۱۳۰۰ ریال

این کتاب مجموعه ده داستان کوتاه است که در سه هزار نسخه به چاپ رسیده است.

مارگریت یورسنار (۱۹۸۷-۱۹۰۳)، اهل فرانسه است و نام اصلی وی «مارگریت کرایانکور» است. او یونان شناس برجسته‌ای بود و آثار متعددی را بر پایه فرهنگ یونان و روم باستان به وجود آورد. یورسنار، شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس موفقی بود و در رمان مدرن نیز تبحر بسیاری داشت. آثار وی تاکنون به زبانهای مختلفی ترجمه شده و خانم ارجمند برای اولین بار آثار او را به فارسی برگردانده است.

متن اصلی «داستانهای شرقی» اولین بار در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید و سپس در سال ۱۹۹۰ بار دیگر چاپ شد. نویسنده در چاپ دوم کتاب تصحیحات بسیاری از نظر سبک انجام داده است. کتاب با شرح حال مختصری از نویسنده آغاز می‌شود و سپس مقدمه نویسنده بر چاپ دوم کتاب می‌آید. داستانهای کوتاه این کتاب به طور کلی ریشه در تمدن و افسانه‌های شرقی دارد و برخی از عناوین آنها عبارت است از: چگونگی وانگ، فونجات یافت، لبخند مارکو، شیر مرگ، آخرین عشق شاهزاده چنگیز، مردی که برپهای دریایی را دوست داشت، و...
زنان شماره ۱۱
۳۷

وقتی پدر ظرف می شوید و

خود را در خانه و همچنین محل کار به نحو احسن انجام دهند و طبیعی است که احساس نگرانی می کنند، مگر اینکه ببینند مادرشان به خوبی از عهده وظایفش برمی آید.

شواهد نشان می دهد که وقتی مادری متکی به خود و قادر است، دختر نیز در مورد تواناییهای خود شناخت بیشتری می یابد. این گونه دختران، تمایل بیشتری به

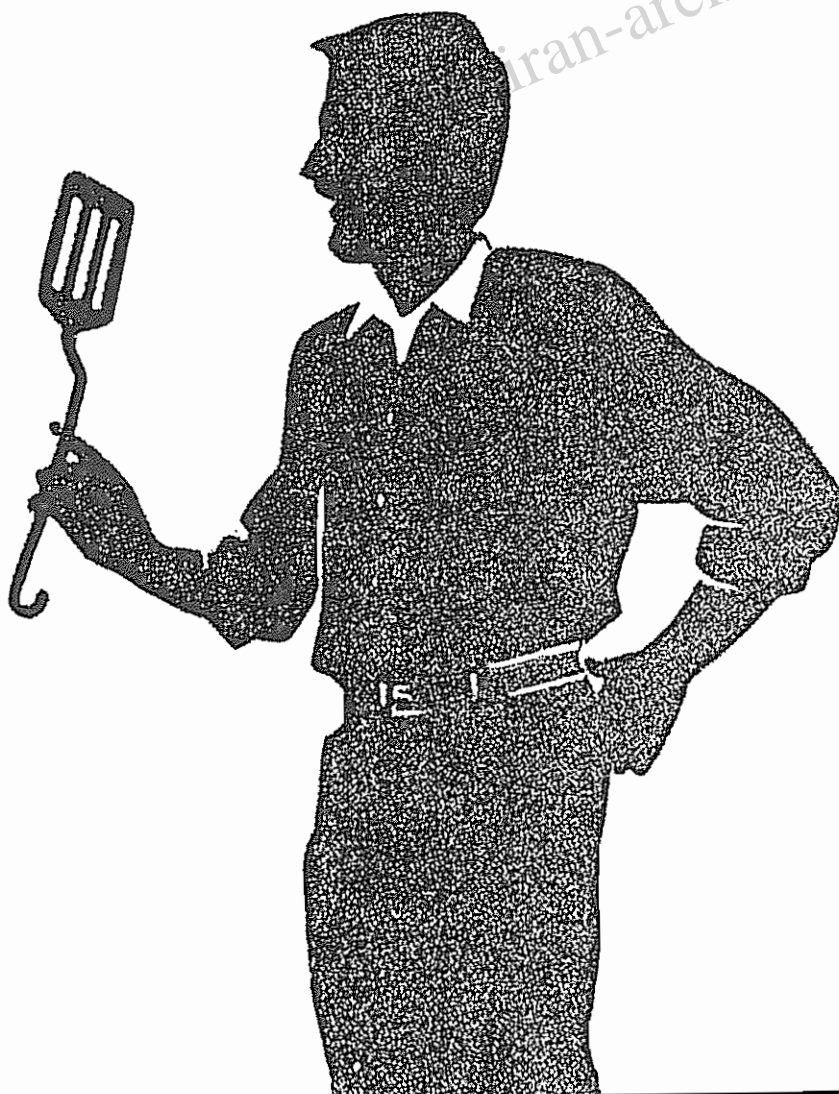
چقدر از آن لذت می برد. مادری که الگوی خوبی از یک زن شاغل ارائه می دهد به ویژه روی دختر بچه اش اثر مثبتی می گذارد. غالباً دیده می شود که بعضی دخترها در مورد تواناییهایشان درک نادرستی دارند و نمی توانند تصور مثبتی از آینده در ذهنشان پرورانند. آنها به درستی متوجه می شوند که امروزه نقش زنان بسیار پیچیده و دشوار است و از آنها انتظار می رود که وظایف

«هدی» آنوقتها که کوچکتر بود خیلی دوست داشت ادای روانشناسها را درآورد. روی صندلی من می نشست و من مریض او می شدم. من به او می گفتم: «من با دخترم این مشکل را دارم اما او به حرف من گوش نمی کند.» و او می گفت: «نه، من از این مشکل خوشم نمی آید. یک چیز دیگر بگو.» علاقه او به این بازی برای من که خودم روانشناس بودم چندان عجیب نبود. هدی فقط می خواست ادای آنچه را که می دید، درآورد. درست مثل وقتی که کفشهای مرا می پوشید و در اتاقهای رژه می رفت.

راستی تا حالا به کارهای بچه های مدرسه دقت کرده اید؟ طوری کیف مدرسه شان را از این دوش به آن دوش می اندازند انگار که چیزهای مهمی را حمل می کنند. آنها واقعاً چیز آنچنان مهمی ندارند که لازم باشد همراهشان ببرند ولی می خواهند کیفی شبیه پدر و مادرشان داشته باشند. وقتی از مدرسه برمی گردند، به جای آنکه بازیهای بچه گانه بکنند، ادای کارهای بزرگترها را درمی آورند. به عروسکشان می گویند: «من الان باید بروم سرکار. سعی کن وقتی من نیستم، بچه خوبی باشی!»

کارشناسان معتقدند مشاهده مادری که هر روز سر کار می رود، تأثیرات فراوانی بر دید کودک به جهان پیرامونش دارد. کودکان در مورد اینکه چطور مادر به سر کار می رود نتیجه گیریایی می کنند که دقیقاً حاصل شیوه برخورد و نحوه صحبت مادران در مورد کارشان است. ❧

پسر بچه ها و دختر بچه ها به نحوه فعالیت های مادرشان توجه زیادی دارند، آنها کاملاً حس می کنند که مادرشان چقدر به انجام وظایف شغلیش اهمیت می دهد یا



مادر پنچر گیری می کند...

تحصیل در مقاطع بالا نشان می‌دهند و در محیطهای کار نیز موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کنند.

مشاهده مادری که بیرون از خانه کار می‌کند و پدری که در انجام امور خانه مشارکت می‌کند، به کودکان می‌آموزد که در زندگی آینده، انتخابهای فراوانی در پیش رو دارند. کودکی که مادر و پدرش هر دو شاغلند و مادر، شب شام می‌پزد و پدر برای او قصه می‌خواند تا بخوابد، کمتر احتمال دارد زندگی مشترکی را شروع کند که تمایزات جنسی بدان تحمیل می‌شود.

دکتر «لوتین هافمن»، روانپزشک دانشگاه میشیگان، برای بررسی تأثیر کار مادران شاغل بر کودکان، لیستی از مشاغل و فعالیت‌های گوناگون تهیه کرد و از تعدادی کودک پرسید: چه کسی می‌تواند این کارها را انجام دهد؟ کودکانی که مادران شاغل داشتند بیشتر از کودکان دیگر، زنان را در انجام فعالیت‌های گوناگون توانا می‌دیدند؛ آنهم نه فقط در مورد کارهای معمولی بلکه در انجام کارهایی مثل رانندگی کامیون یا کوهنوردی.

● احساس رضایت خود را منتقل کنید:

همیشه یادتان باشد که شما مهمترین الگوی کودکان هستید و خیلی ساده می‌توانید دریابید که آنها چه چیزهایی را از شما فرا می‌گیرند. همه متفق‌القولند که عامل مهم در ارائه الگوی خوب این نیست که شما چه قدر درآمد دارید بلکه مهم این است که چه احساسی در مورد شغل‌تان دارید. اصل قضیه این است که آیا مادر از امکاناتی که فراهم آورده،

راضی هست یا نه. یک کارگر ساده با یک جراح مغز در این متغیرهای مهم همانند هم هستند. بچه‌ها درک چندانی از تفاوت‌های موقعیت‌های شغلی ندارند. اما مطمئناً می‌فهمند که آیا مادرشان احساس خوبی درباره شرایط زندگی‌اش دارد یا نه. هر چقدر که شما بیشتر درباره جنبه‌های مثبت شغلی‌تان با او حرف بزنید، تأثیر مطلوب‌تری روی او می‌گذارد. شما خیلی ساده می‌توانید برای او توضیح دهید که بیرون از خانه عده‌ای محتاج کار شما هستند و کار کردن یعنی «مفید واقع شدن». این مفهومی است که بچه به راحتی آن را درک می‌کند. حتی بد نیست اگر گاهی او را با خود به سر کارتان ببرید تا از نزدیک ببیند که شما کجا و چگونه کار می‌کنید. حتی یک لحظه هم به فکرتان خطور نکند که کودک شما به این که شما کجا می‌روید، چه می‌خورید و با چه کسانی معاشرت می‌کنید، توجهی ندارد. مشاهده آنچه که شما در طول روز در بیرون از خانه انجام می‌دهید به او دیدی واقعی از نقشی بجز «مادر بودن» شما می‌دهد و تصویر آینده خود را نیز روشن‌تر می‌بیند.

«کتی» خلبان هواپیماست، او در پرواز اخیرش، دختر هشت ساله‌اش را همراه خودش برده بود. او می‌گفت: «داری را با خودم بردم تا حداقل بفهمد که او هم توانایی‌های زیادی دارد و بعدها می‌تواند کارهای مورد علاقه‌اش را انتخاب کند. من حتی وقتی در درسهایش به او کمک می‌کنم، سعی می‌کنم ارتباط میان آنها و شغل‌های آینده‌اش را درک کند. مثلاً وقتی اشکالات ریاضی‌اش را رفع می‌کنم، برایش توضیح می‌دهم که خودم چگونه در کارم از قواعد ریاضی استفاده می‌کنم. این کار به او

کمک می‌کند تا بفهمد که ریاضی استفاده‌های بسیار ملموسی دارد.»

بچه‌هایی که محل کار پدر و مادرشان را دیده‌اند و مدت کوتاهی ناظر انجام کارهای آنها بوده‌اند، نظری واقع بینانه درباره چگونگی انجام هدفی مورد نظر به دست می‌آورند. آنها می‌فهمند که کارهای زیادی هست که باید انجام شود و اگر کسی بخواهد، فرصتهای زیادی هست که می‌تواند از آنها بهره‌گیرد و اینکه کارها با شعبده‌بازی انجام نمی‌شود.

استقلال، درس دیگری است که بچه‌ها می‌توانند از مشاهده مادری که در عمل فرد موفقی است، فرا بگیرند. آنها به شدت تحت تأثیر رفتار بزرگ‌ترها هستند. وقتی مادر صبح زود از خواب برمی‌خیزد و از خانه بیرون می‌رود تا به کارهای مردم برسد، کودک این پیام مهم را دریافت می‌کند که انگیزه‌ای برای زندگی داشتن و اتکالی به خود برای ادامه زندگی لازم است.

«پروت» تعریف می‌کرد که پسرش از همان ۱۳ سالگی هم بچه مقاومی بود، حتی در برابر فشارهای گروه هم سن و سال خودش. او می‌گفت: «چون من سر کار می‌رفتم، نمی‌توانستم صبحها او را به مدرسه برسانم و او خودش با اتوبوس به مدرسه می‌رفت. بچه‌های مدرسه گاهی سربه سرش می‌گذاشتند. ولی او خیلی راحت با این مسئله برخورد می‌کرد و می‌گفت که کار آنها مسخره است که عرضه ندارند خودشان تنهایی مدرسه بیایند!»

البته شاغل بودن مادر همیشه هم جالب و رضایت‌بخش نیست. ارائه الگوی خوب نیز به معنای پنهان کردن مشکلات زندگی و دشواریهای شغلی نیست. یادتان باشد که

➤ مشاهده مادری که خارج از خانه کار می‌کند و پدری که در انجام کارهای خانه مشارکت دارد، به کودکان می‌آموزد که انتخابهای فراوانی در زندگی پیش رو دارند.

➤ کودکی که مادرش شاغل است و پدرش هم شاغل است و هم شبها برای او قصه می‌خواند، کمتر احتمال دارد زندگی مشترکی را شروع کند که تمایزات جنسی بدان تحمیل شود.

➤ بچه‌هایی که محل کار پدر و مادرشان را دیده‌اند، نظری واقع بینانه دربارهٔ چگونگی انجام هدفی مورد نظر به دست می‌آورند.

حال بنچرگیری ماشین. همچنان که تعداد مادران شاغل هر روز افزایش می‌یابد، تعداد چنین کودکانی نیز رو به فزونی است. خوب است که کودک بیند وقتی پدر و مادر هر دو از راه می‌رسند، پدر نیز در تنظیم امور خانه با مادر سهیم می‌شود.

«جین» که وکیل دعاوی است، می‌گوید: «من فکر می‌کنم پسر که اغلب جارو زدن پدرش را تقلید می‌کند، با این تفکر رشد می‌کند که انجام همهٔ کارهای خانه فقط وظیفهٔ زن نیست و دختر هم می‌فهمد که باید با مردی وصلت کند که سهمی از کارهای خانه و مراقبت از کودک را به عهده بگیرد. آنها به راحتی درک می‌کنند که برای یک نفر دشوار است که همهٔ مسئولیت‌های زندگی را به تنهایی به عهده گیرد.»

تجربهٔ جین، منحصر به فرد نیست. وقتی مادر و پدر وضع همدیگر را درک کنند و از زندگی‌شان رضایت داشته باشند، الگوهای مورد قبول فرزند خود می‌شوند. آمار نشان می‌دهد که دختران زنان شاغل، بسیار بیشتر از دختران دیگر، از مادرشان به عنوان الگوی مورد قبولشان یاد می‌کنند.

مادری می‌گفت روزی معلم از همهٔ مادران دعوت کرد که در جلسه‌ای شرکت کنند. بعد از خاتمهٔ بحث و گفتگوها، معلم از تک تک بچه می‌پرسد که «قهرمان» آنها کیست؟ او می‌گفت: «وقتی دختر ۱۳ ساله‌ام از من نام برد، من بهتره شدم. و وقتی دخترم گفت: «امان، من می‌دانم که تو خیلی کار می‌کنی، می‌دانم که برای ما چقدر زحمت می‌کنی. من دلم می‌خواهد مثل تو باشم، از شدت هیجان گُر گرفته بودم.»

احسن کنار بیاید. مثلاً اگر به زمان بیشتری احتیاج دارید که صرف محیط خانوادگی خود کنید، تلاش کنید برنامه‌ریزی بهتری برای کارهایتان بکنید یا اگر واقعاً شرایط کارتان نامساعد است به دنبال موقعیتهای بهتری بگردید اما همیشه به خاطر بسپارید که فعالیت شما در خارج از خانه فقط یک سوی قضیه است. بچه‌ها بنیاد مراقبت‌کننده در خانه چگونه می‌گذرد. گاهی اوقات آنچه کودک مشاهده می‌کند مادری است که به ستوه آمده. زن ممکن است از اینکه مسئولیت خانه بین او و همسرش به طور برابر تقسیم نشده است، عصبی و خسته باشد اما بچه نمی‌داند مشکل از کجا ناشی شده است. او اشتها قضاوت می‌کند که کار کردن زن در بیرون از خانه خوب نیست.

از سوی دیگر رفتار پدرها در خانه، به شدت روی بچه‌ها اثر می‌گذارد. بچه‌هایی که پدرشان در امور خانه با مادرشان همکاری می‌کنند، به ندرت حاضر می‌شوند در زندگی آیندهٔ خود نقش زنان یا مردان سنتی را ایفا کنند و پرایشان کاملاً طبیعی است که پدر را در حال ظرف شستن ببینند و مادر را در

هیچوقت نظر نادرستی را به کودکان منتقل نکنید. بعضی روزها آدم دلش نمی‌خواهد صبح زود بلند شود یا مشکل خاصی سر کار پیش آمده که مواجه شدن با آن ساده نیست. بچه‌ها این حالتها را کاملاً درک می‌کنند.

● در مورد مشکلات خود صحبت کنید:

بچه‌ها می‌فهمند که شما چه وقت از کار خود واقعاً راضی نیستید و لزومی هم ندارد که شما مستقیماً این مسئله را به آنها بگویید. اگر شما غالباً عصبی باشید یا اگر مدام از کارتان شکایت کنید، آنها هم متقابلاً احساس خوش بینانه‌ای به آینده نخواهند داشت. طبیعی است که در این صورت کار کردن برای آنها فرصتی برای مفید واقع شدن و اتکای به خود نخواهد بود بلکه برعکس خسته کننده و ملال آور به نظر خواهد رسید. تحقیق بسیار جالبی در مورد دخترانی که نظراتی بسیار منفی دربارهٔ کار زنان دارند صورت گرفته است. طبق بررسی‌های به عمل آمده، غالباً مادران آنها شغل‌های دشوار، نامطلوب و کم درآمد داشته‌اند. این دختران کار کردن را راهی برای برآوردن نیازها نمی‌دانند و مسلم است که برداشت آنها کاملاً به نحوهٔ زندگی مادرشان بستگی داشته است.

این حرف بدان معنا نیست که شما باید تظاهر کنید که از شغلتان راضی هستید، برعکس به بچه‌های خود نشان دهید که چیزهای ناخوشایند هم در زندگی وجود دارد ولی آدم می‌تواند در آنها تغییرات مثبتی به وجود آورد یا با مشکلات زندگی به نحو

